

ریشه یابی خشونت و تروریسم در کودتای شبه سکولار مذهبی مصر هر دروغ برای توجیه نیازمند هزاران دروغ است!

سخنگوی کودتاگران مصری: ما واکنش امریکا و طالبان را زیر نظر داریم!
این سخنگو افزود ما با تروریسم از طریق دستگاههای امنیتی برخورد خواهیم کرد و در عین حال به روند مسالمت آمیز برای تحقق دموکراسی ادامه خواهیم داد!!



نوشته ای از محمد امین فروتن

هر چند قصد نداشتم که بیش از این به مسائل مربوط به کودتای فرعونى و شبه سکولار مذهبی علیه نظام منتخب مردم مصر بپردازم زیرا اکیداً باور داشتم که غرائز خونریزی و جنایت نظامیان و اوباشان تروریستی که در چراگاه های القاعده همان مراکز پرورش تروریست های حرفوی و کانگستر های متحجر سلفی وابسته به دارالخلافة ها و حرم سراهای عربستان پرورش میابند با کشتار و جنایت بی نظیری که در برابر مردم بی دفاع مصر و به آتش کشاندن مساجد و عبادتگاه های خداوند مرتکب شده اند کمی اشباع شده باشد و عقلای این جماعت خونریز و سفاک در تاریخ معاصر گرد هم آیند و به سوی مشروعیت و حاکمیت قانون روی آورند. هر چند آنها یعنی دولت های مرتجع منطقه بویژه دربار سلطنت آل سعود از آن بیم دارند که تراژیدی حسنی مبارک مخلوع و مفلوک در مورد آنها نیز تکرار شود و نسیم ملایم بهار عربی مناره های مرمین و دارالخلافة های رنگین سلاطین و شیوخ عرب را نیز به حرکت آورند، از همین جهت بوده که شیوخ نفت خوار خاندان آل سعود با نخستین جرقه های از بهار عربی راه حرم سرا های شان را گم کرده بودند و با صدور فرماناز سفیر کبیر و نماینده فوق العاده عربستان در قاهره خواسته بودند که تا میتواند از پیروزی اسلام گراها ی وابسته به جنبش اخوان المسلمین مصر بویژه محمد مرسی کاندیدای حزب آزادی و عدالت مصر در انتخابات ریاست جمهوری مصر جلوگیری نمایند.



که اینک کپی تصویر نامه تحریری سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان سعودی عنوانی سفیر و نمائنده تام الاختیار عربستان در قاهره یکبار دیگر به دلیل اینکه حافظه تاریخی مردم ما بویژه روشنفکران این مرزو بوم به ضعف گرا نییده است خدمت شما خواننده گان عزیز این یادداشت تقدیم میکنم .



وزیر خارجه عربستان از سفیر و نمائنده فوق العاده آنکشور در قاهره چنین مطالبه نموده بود :

« بر مبنای تاکیدات خادم الحرمين الشريفين (اشاره به عبدالله پادشاه سعودی) از شما می خواهم که تمام تلاشتان را در راستای جلوگیری از پیروزی اسلامگرایان در انتخابات مصر به ویژه "محمد مرسی" انجام دهید.»

اما چنانچه میبینیم وبه چشم سر مشاهده کردیم هنوز هم اشباع غرائز قدرت و عداوت تاریخی سلاطین آل سعود نسبت به آزادی و عدالت بشری به جنایت و خونریزی زیادی نیاز دارند ، اما در اوجی از یک شکست تاریخی کودتا گران دیدیم و شنیدیم که صدای فرعون قرن بیست و یکم یا همان طراح اصلی کودتای نظامی وشبه مذهبی سکولار « والاحضرت خادم الحرمين شریفین ملک عبد الله !» از وسائل ارتباط جمعی کشور های منطقه و جهان برخاست ودوباره فرمان کشتار بی گناهای را که با تحصن و تعبد در خانه خدا یعنی مسجد الفتح قاهره شعار های مسالمت آمیز بر ضد کودتا گران و دشمنان آزادی و دموکراسی سرمیدادند صادر کرد،



هنوز این فرمان خونین کشتار از زبان والاحضرت ملک عبدالله پادشاه عربستان پایان نیافته بود که تلویزیون دولتی مصر به نقل از سخنگوی هیأت دولت مؤقت آنکشور گزارش داد که دولت مؤقت مصر از پیام و حمایت والاحضرت پادشاه عربستان سعودی سپاسگذاری نمود .

اما درعین حال به برخی از حلقه های بدنام و حلقه به گوش مجهز به قرئت و گفتمان طالبانی که با انگیزه های سیاسی و اقتصادی سر بسته در اختیار شبکه های استخباراتی و نظامی منطقه قرار دارند دستور حمایت مصنوعی از اعتراض کننده گان یا هم همان میلیون ها پرخاشگر به پا خاسته ای که با دست های خالی در برابر کودتا گران بصورت مسالمت آمیز شعار آزادی و عدالت را سرمیدهند بر عهده میگیرند و به هواداری از نهضت مسالمت آمیز مردم مصر اعلامیه و بیانیه صادر میکنند . این یکی از کثیف ترین روشهای باقی ماندن در قدرت دیکتاتور ها است که در قرن بیست و یکم برای فریب افکار عامه بویژه در جوامع عقب مانده شرقی بکار گرفته میشود .

فیلسوفی میگوید که برای انهدام یک حقیقت بزرگ اجتماعی و تاریخی برآن حمله نکنید بلکه از آن ضعیف دفاع کنید .

دلال مظلومه در تاریخ یا دفاع بد با انگیزه های بد !

.چنانچه برخی از نیروهای وابسته به طالبان و القاعده که به دستور حلقه های استخباراتی و جهنمی منطقه ، کمر بند های منافع اشرافی سلاطین را تشکیل میدهند و در این راستای این مأموریت در کشور

های اسلامی حمام خون براه می اندازند و روزانه صدها مرد علیل و پیر ، زنان و کودکان بی گناه را در سرتاسر دنیا با بی رحمی و قساوت سر میبرند به هواداری از نهضت مسالمت آمیز مردم مظلوم مصر که برای تحقق داعیه دموکراسی خواهی و عدالت شعار میدهند اعلامیه ای برسم اشک تمساح ! صادر میکنند و کمترین نتیجه چنین اعلامیه های دستوری بدنام ساختن حرکت های است که صلح و کرامت بشری به وجدان عمومی آنها مبدل گشته و برای تحقق آن به حرکت میلیونی توده های درمانده مگر با اراده های آهنینی از مردم مصر به صحنه آمده اند . حکایت صدور اعلامیه های ساخت استخبارات پاکستان که از نام و امضای حرکت طالبان افغانستان با حمایت از مردم مظلوم مصر صادر میگردد همین است و بس .

حالا جای این پرسش باقی مانده است که وقتی گروهی از بیماران روانی و تشنه گان خون در جامعه ما که درگوشه ، گوشه ای از خونریزی و جنایت در افغانستان لذت میبرند چگونه بر جنازه های گلگون کفن مصری های آزاده اشک میریزانند و آنرا جنایت ننگین علیه بشریت عنوان کنند !

البته داستان بازداشت آقای محمد الظواهری برادر ایمن الظواهری رهبر القاعده را که به اتهام حمایت از محمد مرسی رئیس جمهور منتخب مصر از منزلش در منطقه جیزه یکی از نواحی قاهره صورت گرفت نیز باید در بطن و متن این استراتژی " **دفاع بد** " کودتاگران مورد مطالعه قرار داد ، اگر نه چه کسی نه میداند که در همین اواخر یک خبرنگار افغان تبار شبکه رادیو تلویزیونی BBC انگلیس طی یک گفتگوی مفصلی با محمد ایمن الظواهری پرده از نگاه و برداشت هایش نسبت به دین و دولت و تفاوت برداشت اش با گفتمان انسانی و رحمانی دولت حاکم بر هبیری محمد مرسی برداشت و اینک بار دیگر عرض توضیح و تفاوت روشنی که میان این دوبرداشت و دو گفتمان که در حوزه دین و سیاست وجود دارد توجه شما عزیزان را به آن گفتگوی صریح و روشنی معطوف میدارم .

<http://www.youtube.com/watch?v=xJCAfDsH8d8&list=UUHZk9MrT3DGWmVqdsj5y0EA&index=3>

البته با احترام کامل به گفتمان متحجرانه و سنگواره یی * که در حوزه تحلیل و قضاوت اکثر روشنفکران و تحلیلگران سکولار متکی بر مفردات معیوب شبه علمی در جوامع شرقی بویژه افغانستان موجود است خاطر نشان میسازم ، که اگر ما بر این حقیقت باور داریم که حوادث تاریخی و سیاسی ملتها در پیوند با شرائط فرهنگی و محیطی جوامع بشر را در هر مقطعی از تاریخ و هر نکته و قلمرو جغرافیای ملتها و جوامع بشر باید مورد مطالعه قرار داد و امروز جوامع بشر محصول زندگی گذشته انسانها ی پراکنده در این کره ء خاکی زمین به حساب می آید باید پذیرفت که آگاهی سیاسی به معنای افلاطونی سیاست است نه به معنای ژورنالیستی روزمره !!، یعنی به ایمان و وجدان مبدل ساختن این واقعیت بزرگ در تاریخ که انسان به مثابه نخستین خشت یک تمدن در چه مرحله ای از تقدیر اجتماعی و تاریخی جامعه اش قرار دارد ؟ چه وابستگی به جامعه دارد سرنوشت حاکم بر او و مردم اش بر مبنای چه بینیش و دیدی نسبت به نظام حاکم در جامعه استوار است ؟

بدون شک برای یافتن درست و دقیق انگیزه های تمامی انشعاباتی که در طول حیات سیاسی سازمان اخوان المسلمین مصرواقع شده اند ، بر خلاف انگیزه ها و عوامل کشیدگی های مادی برسر قدرت که آثار و عوارض چنین گفتمان مادی فلسفی نسبت به تاریخ در نامدارترین حرکت های سیاسی و اجتماعی معاصربه مشاهده میرسند و این حرکت ها جهان و تکامل تاریخ را بر نوع بینیش مادی گرایانه اندازه گیری مینمایند ، مسأله اختلافی همانا دونگاه فلسفی به هستی و جهان مطرح بوده است

که نگاه نخست نگاه بنیاد گرایانه شریعتمدار با اتکای مطلق و دگم بر منابع فقه تاریخی و غیر اجتهادی بوده که پارادایم واحد سنتی حاکم بر تمامی دوره های تاریخ حدود و مناسباتی را تعیین مینمایند که با ورود به دوره مدرن یا متأثر شدن جوامع انسانی و دینی از پدیده های نو سیاسی در دوره مدرنیته گسست و حفره های عمیقی در تمامی لایه های جوامع دینی ایجاد کرده است و میتوان گفت که همین نگاه متحجرانه ، غیر عقلانی و غیر اجتهادی سبب گردید تا روابط با حاملان گفتمان های عقلانی و اجتهادی معاصر را بصورت اصولی قطع کنند . زیرا چنانچه بار هاز این قلم مطالعه فرموده اید هواداران این گفتمان متحجر اشرافی و طبقاتی در حوزه مناسبات اجتماعی در قلمرو دین از مدل ****** پروکروستی تبعیت میکنند از نظر هواداران گفتمان طالبانی اسلام تخت آهنی است که باید انسان و جامعه را در درون آن قرار داد و کم و زیاد آنرا با برش یا کشش قالب بندی کرد . چنانچه تاریخ معاصر نهضت اصلاحی اخوان المسلمین مصر نشان میدهد آنگاهی که سازمان اخوان المسلمین مصر تحت تعقیب نیروهای امنیتی رژیم انور سادات فقید قرار گرفت دو گفتمان نسبت به هستی و تاریخ در سازمان اخوان المسلمین مصر نیز به مشاهده رسید که همین تفاوت بینش نسبت به خدا ، هستی و انسان در داخل سازمان اخوان المسلمین مصر سبب گردید تا پس از مرگ انور سادات فقید که توسط خالد اسلامبولی یکی از رهبران اسلام گرای گروه چریکی موسوم به « التکفیر والهجره » مصر صورت گرفت زمینه براه انداختن دیالوگ عمیقاً درون دینی را فراهم ساخت که بالاخره برای نخستین بار ایمن الظواهری رهبر کنونی سازمان تروریستی القاعده که در ایجاد هسته های نظامی « التکفیر والهجره » نقش بسیار زیادی داشت مبارزه مسلحانه در برابر حاکمان ظالم بویژه حکومت های حاکم بر کشورهای عربی و اسلامی منجمله ترور فقید انور سادات رئیس جمهوری مصر را یک فریضه دینی و الهی دانست که پس از رهائی از زندان به عربستان سعودی سفر کرد و با دستور و وساطت پادشاه عربستان سعودی در صف گروه های قرار گرفت که قبلاً بنام عرب های افغان در صفوف مجاهدین افغانستان که بر علیه تجاوز اتحاد جماهیر شوروی می جنگیدند جابجا شده بودند. و آرام ، آرام بنام توحید « شرک! » بنام « جهاد با مشرکان » جهاد با موحدان و دیگرانندیشان! » را در اجندای عملیاتی خویش قرار دادند ،

نباید تعجب کرد که چگونه سازمان های به ظاهر خیریه و مؤسسات انسان دوستانه ای مانند هلال احمر سعودی، رابطه العالم الاسلامی - « هیأة الإغاثة الإسلامية العالمية » یا هیئت جهانی امداد رسانی اسلامی وابسته به « رابطه العالم الاسلامی » « الندوة العالمية للشباب الاسلامی » یا مجمع جهانی جوانان مسلمان ، مؤسسه خیریه حرمین و ده ها نهاد و سازمانی که باید کمک به مهاجران و آواره گان بینوای ساکن در اردوگاه های مهاجرین در پاکستان را در اجندای کاری شان قرار میگرفت ، مغائر با هرنوع ضوابط اخلاقی و دینی به مراکز جاسوسی و همدست شبکه های مواد مخدر مبدل گردیده بودند .

و بدون شک که گروه ها و دسته های نظامی بنام « عرب های افغان » که پس از پیروزی مجاهدین افغانستان بویژه در دوره حاکمیت بنیادگرای شریعتمدار طالبانی توسط استخبارات منطقه بویژه سازمان استخبارات نظامی پاکستان و سازمان امنیت عربستان و برخی کشورهای خلیج فارس به اسم شبکه تروریستی القاعده انسجام یافت در زیر پوشش همین سازمان های خیریه تقویت و منسجم میگرددند . که به تاسی از این روابط تنگاتنگ عربستان و پاکستان رژیم مستبد القاعده که به اسم رژیم طالبان در افغانستان حکومت میکرد و از انجام و اجرای هرنوع جنایت علیه مردم فقیر

افغانستان دریغ نکرد و حاکمیت رژیم مستبد طالبان در افغانستان را به عنوان رژیم مشروع برسمیت شناخت که ساحه و قلمرو برسمیت شناختن رژیم تروریستی طالبان از کشور های پاکستان – عربستان و امارات متحده عربی وسعت پیدا نکرد .

و چنانچه شواهد و اسناد تاریخی حکم میکند حوادث غمناک یازدهم سپتمبر سال ۲۰۰۱ میلادی در تبنانی با شبکه های استخباراتی منطقه انجام یافت و بر اساس یکی از اسناد منتشر شده از سوی ویکی لیکس هیلاری کلینتون وزیر خارجه آمریکا اذعان کرده که عربستان بزرگترین منبع حمایت مالی از گروه های تروریستی در جهان است. کلینتون در این سند **القاعده، طالبان و گروه لشکر طیبه** در پاکستان را از جمله بارزترین گروه های تروریستی مورد حمایت سعودی ها برشمرده و هشدار داد که حامیان سعودی قوی ترین منابع حمایت مالی از تروریست ها در جهان هستند.

این نوع همکاری های تنگاتنگ امنیتی میان عربستان و پاکستان سبب میشود که وقتی منافع استراتژیک یکی از کشورهای دوست از هر جانی به خطر مواجه گردد برای همکاری با دوستان استراتژیک اش به نحو شائسته و مطابق با شرایط عمومی بویژه امنیتی کشور های دوست در صحنه حضور می یابند . هیچگونه تردیدی وجود ندارد که اعلامیه اخیرگروهی بنام طالبان و دیگرگروه های بنیاد گرای شبه مذهبی ای که در کشور خویش از خونریزی و جنایت لذت میبرند به پشتیبانی از مردم مصر علیه کودتا گران جزئی از پروژه ای است که در جهت بدنام ساختن حرکت بزرگ و مسالمت آمیز مدنی مردم سرافراز مصر تنظیم گردیده است .

وقتی سخنگوی نظامیان کودتا گرد مصر طی کنفرانس مطبوعاتی نبرد با « ملت غیور و آزاده مصر» را مبارزه با تروریسم میخوانند و ازسوی دیگر بصورت ناخود آگاه اعتراف میکنند که : ما واکنش امریکا و طالبان را زیر نظر داریم ! دیگر هیچگونه شبه ای از اضطراب کودتا گران و حامین تروریست شان باقی نه میماند . و یکی از مسخره آمیز ترین بخشی از کنفرانس مطبوعاتی سخنگوی اداره کودتائی مصر همین جمله است که گفت :

ما واکنش امریکا و طالبان را زیر نظر داریم !

یا هو

یار زنده صحبت باقی !

* به سبب پابندیی متحجرانه و سنگواره ای اکثر روشنفکران سکولار معاصر به گفته معروف کارل مارکس فیلسوف نامدار آلمانی که در برابر مظالم حاکمیت کلیسا در اروپا فرآیند **دین و دینداری** را با آفیون ملتها تشبیه نموده بود و به مضمون « دین آفیون ملتهاست » را بر زبان آورده بود و با تأسف که اکثر روشنفکران تقلیدی سکولار جوامع شرقی آن گفته کارل مارکس را نه تنها بصورت متحجرانه و سنگواره ای نسبت به هر دین و آئینی انطباق دادند بلکه بزرگترین حرکت ها و نهضت های آزادی طلبی درکشورهای شرقی را که فطرتاً دارای ارزش های بلند مذهبی بودند بدون در نظر داشت مقتضیات زمان و خصلت استعمار و نظام جهانی سرمایه داری به خشونت متهم نمودند و عادلانه ترین نگاه این جماعت که از واقیعت های تاریخی و جغرافیای جوامع شرقی بر میخیزد اعلام داشتند که دین باید

از حوزه سیاست کاملاً جداباشد ! طبیعی است که بدون اندکترین مطالعه دینی حتی تاریخی نسبت به تاریخ جوامع بشر همان شعار کارل مارکس بصورت متحجرانه که گفته بود « دین آفیون ملتهاست » یا به قول معروف « عیسی به دین خود و موسی به دین خود » را ترس و نقشه راه ملتها اعلام داشتند .

**** چنانچه قبلاً نیز داستان پروکروست رهن افسانه ای یونان را بیان داشته ام وی رهن مشهور یونانی بود که در کوه های یونان کاروان ها و قافله ها را به غارت میبرد و تنها به غارت قافله ها و کاروان ها اکتفا نه میکرد بلکه یک تخت آهنینی که داشت دستور میداد افراد کاروان را یک به یک بروی تخت بخوابانند ، هرکس قد و اندازه اش از طول تخت آهنی کوتاهتر بود به فرمان پروکروست ، آنقدر او را از طرف پا وسر میکشیدند تا به اندازه تخت شود و اگر قد بلندتری داشت فرمان میداد تا از ناحیه پا اندازه اضافی اش را آره کنند تا کاملاً در تخت آهنی جای گیرد .**